

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال سوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۸
صفحات: ۶۵-۸۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۲/۰۵

راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا

دکتر رضا جنیدی* / مسعود ملائی**

چکیده

ایالات متحده آمریکا در سال‌های اخیر با اعمال فشارهای مضاعف به بهانه وجود شائبه در برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های بی سابقه‌ای را علیه جمهوری اسلامی اعمال کرده است. علاوه بر این، به کمک دستگاه‌های تبلیغاتی خود تلاش کرده تا افکار عمومی جهان را نسبت به ایران حساس کرده و چهره‌ای جنگ طلب از کشور در ذهن جهانیان تصویر کند. به نظر می‌رسد راه برون رفت از فضای فعلی و خنثی کردن راهبردهای سیاسی و دیپلماتیک ایالات متحده، بهره‌گیری از مؤلفه‌های مولد قدرت نرم جمهوری اسلامی است. در این راستا می‌توان از «دیپلماسی عمومی» به مثابه ابزار قدرت نرم جمهوری اسلامی جهت «تصویر سازی» مثبت و حقیقی در افکار عمومی جهان بهره برد. به عقیده برخی از نظریه پردازان تنها راه مهار ایران از طریق قدرت نرم آمریکا است که هزینه کمتر و نتیجه بهتر و سریع تر می‌دهد. دولت آمریکا در طول تجربه خود از عملکرد و ماهیت عقیدتی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران، به این نکته مهم وقوف پیدا کرده است که ماهیت، چیستی، توان و قدرت ایران، بیش از هر چیز معطوف به توانمندی‌های نرم، فرهنگی و ارزشی است. به همین جهت این کشور در کنار رویکرد تحریم، تهدید و فشارهای اقتصادی و سیاسی خود به مقابله نرم روی آورده و در پی تضعیف پایه‌های اعتقادی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک راهبرد کلیدی برآمده است.

کلید واژه‌ها

قدرت نرم، قدرت هوشمند، دیپلماسی عمومی.

* عضو هیات علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

** دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه.(نویسنده مسئول)
mm.aribad@gmail.com

مقدمه

موضوع قدرت نرم توسط جوزف نای مطرح شد. وی درصدد بود شکل جدیدی از قدرت و سازماندهی قدرت ارائه دهد که مبتنی بر مشارکت، انعطاف پذیری و الگوهای متقاعد سازی جامعه باشد. این امر نشان می‌دهد که ماهیت قدرت به گونه‌ای مرحله‌ای، پیچیده‌تر می‌شود. بنابراین، بهره‌گیری از الگوهای مبتنی بر الزام و اجبار نمی‌تواند نتایج مؤثر را به وجود آورد. نظریه جوزف نای را می‌توان تحوّل مشهودی در موضوع قدرت دانست. طبعاً مخاطبان اصلی قدرت را دولتها، نخبگان سیاسی، گروه‌های ذی نفوذ و نهادهای حکومتی تشکیل می‌دهند؛ زمانی که قدرت ماهیت پیچیده پیدا می‌کند، هر یک از بازیگران و ابزارهای یاد شده نیز باید چنین وضعیتی پیدا کنند. (Nye, 2004, P.126)

قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به کارگیری ابزاری چون فرهنگ، آمال و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. جوزف نای می‌گوید: «قدرت نرم، توجه ویژه به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر، از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند (اطلاعات و دانایی) را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز بگیرد». (همان: ۱۲۸)

واژه قدرت هوشمند، بر اساس نشانه‌های معرفت شناسی کنشگر، نخستین بار در سال ۲۰۰۸ توسط «جان کالین» ارائه شد. وی درصدد برآمد تا نظریه قدرت نرم را ترمیم و بازسازی کند. وی، قدرت هوشمند را ایده مؤثر و تعیین کننده‌ای در ارتباط با چگونگی درگیر سازی جهانی آمریکا می‌داند. جنگ آمریکا در عراق و پیامدهای امنیتی آن، منجر به طرح رویکردهای جدیدی در رفتار استراتژیک ایالات متحده شده. نظریه پردازان قدرت هوشمند درصدد پیوند بین قدرت نرم و قدرت سخت می‌باشند. آنان بر این باورند که کشوری همانند آمریکا برای ایفای نقش جهانی، نیازمند آن است که به اقدامات سازمان یافته برای دستیابی به هژمونی دست بزند. (متقی، ۱۳۸۷)

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران که بر پایه‌های فرهنگی و مذهبی مبتنی بود، مناسبات و تعاملات ایران و غرب وارد مرحله‌ای نوین شد. با خروج جمهوری اسلامی از اردوگاه غرب و گزینش راهبرد «عدم تعهد» در سیاست خارجی، ضربه بزرگی به منافع ایالات متحده در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس وارد شد. هر چند مناسبات

دو کشور طی سالیان پس از انقلاب همواره خصمانه بوده است، اما می‌توان شاهد تنوع در شکل مخاصمه - از رویارویی سخت و شیوه‌های عریان تا مبارزه نرم - میان دو دولت بود. از سال ۱۹۷۹ آمریکا با فشار و تهدید، تحریم‌های اقتصادی و گاه‌ها حرکت‌های نظامی برای مهار ایران حرکت کرده و نتیجه نگرفته است. به همین جهت این کشور در کنار رویکرد تحریم، تهدید و فشارهای اقتصادی و سیاسی خود به مقابله نرم روی آورده و در پی تضعیف پایه‌های اعتقادی نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک راهبرد کلیدی برآمده است. پیشبرد جنگ نرم در کنار جنگ سخت و بهره‌گیری از قدرت سخت و قدرت نرم به موازات هم را اصطلاحاً قدرت هوشمند می‌نامند. قدرت هوشمند در حقیقت هرگونه فشار و تهدید نظامی به همراه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای را شامل می‌شود که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد.

ایران نیز امروزه به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و هارتلند نظام بین‌الملل به قدرتی کم‌نظیر تبدیل شده است که از دید کارشناسان سیاسی کشورهای غربی دیگر نمی‌توان با یورش نظامی و جنگ سخت آن را سرنگون کرد بلکه تنها راه مقابله با نظام جمهوری اسلامی پیگیری مکانیسم‌های جنگ نرم و به کارگیری تکنیک‌های عملیات روانی است. راه‌اندازی پروژه جنگ نرم علیه ایران را باید ناشی از گسترش حس تنفر از آمریکا در جهان دانست که به نظر سران کاخ سفید ایران مرکز اصلی ایجاد این تنفر و گسترش آن است. هدف اصلی این نوشتار بررسی توانایی‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات هوشمند آمریکا و شناخت آن در ابعاد مختلف است. قابلیت‌های بالای ج.ا.ایران در موضوع قدرت نرم افزاری و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کشورمان می‌تواند ابزاری قوی و کارآمد در جهت مقابله با تهدیدات سخت و نرم (قدرت هوشمند) ایالات متحده باشد.

چارچوب نظری

قدرت نرم

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پایان جنگ سرد، نظریه پردازان برجسته در حوزه سیاست بین‌الملل کوشیدند که با طرح دیدگاه‌های تازه‌ای شرایط راستین حاکم بر سامانه بین‌الملل را بررسی کنند.

یکی از اندیشمندانی که در این راه گام برداشت با پرفسور «جوزف نای» استاد روابط بین الملل مدرسه حکومتی «جان اف کندی» دانشگاه هاروارد است که مقوله قدرت نرم را نخستین بار در چارچوب نظریه‌ای مستقل در سال ۱۹۹۰ در باب بازبینی ماهیت و نتایج قدرت آمریکا مطرح کرد (May, 1991: 25).

نای قدرت نرم را این طور توصیف می‌کند: توانایی یک کشور بر وادار کردن کشورهای دیگر به این که همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد و آن هم از راه جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک که خود در اختیار دارد. به سخن دیگر؛ قدرت نرم به آن گروه از توانمندی‌ها و توانایی‌های یک کشور گفته می‌شود که با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد (حسن خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

قدرت نرم عبارت است از توانایی تغییر یا شکل دادن اولویت‌های دیگران تا بر اساس آنچه ما می‌خواهیم، فکر یا رفتار کنند. بنابراین قدرت نرم متعلق به بازیگرانی است که بدون اینکه از زور استفاده کنند، نتایج دلخواه را می‌گیرند؛ چون سیاست‌ها و ارزش‌های آنها برای دیگران جذابیت دارد. یک دولت می‌تواند با روش دستوری و تحکم آمیز در داخل کشور خود حکمرانی کند، قدرت تحکم آمیز ممکن است با تکیه بر ابزارهای تشویقی (هویج) یا ابزارهای تهدیدآمیز (چماق) اعمال شود.

یک دولت می‌تواند به نتایج دلخواهش در صحنه داخلی و حتی در سیاست جهانی دست یابد، بدین صورت که اقداماتی انجام پذیرد که دیگران آنچه را طلب کنند که ما می‌خواهیم و یا آنچه را ما (دولت) دوست داریم و انجام می‌دهیم، درست و مطابق میل خود بدانند. این چهره از قدرت در مقابل رفتار تحکم آمیز قدرت قرار دارد که می‌توان آنرا قدرت جذب کنندگی "قدرت نرم" نامید (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

از نظر نای این نوع قدرت را می‌توان «چهره دوم قدرت» نامید (May, 2003: 66-67). که محصول و برآیند کسب اعتبار بین المللی و تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران است (تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۲۲). قدرت نرم در برگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و هنری است. ارزش‌هایی مانند مردم سالاری و حقوق بشر که دارای جذابیت‌های جهان شمول است از دیگر منابع قدرت نرم محسوب می‌شود.

منابع قدرت نرم

الف) فرهنگ

زمانی که فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهان شمول را در بر می‌گیرد و سیاست‌های آن، ارزش‌ها و منافعی را ارتقا می‌بخشد که دیگران نیز در آن سهیم هستند. از نظر نای منابع فرهنگی قدرت به سادگی قابل تغییر نیستند. این منابع طی دورانی طولانی به مثابه ساختارهای مستحکم ظهور، بروز و انسجام یافته‌اند و همانند ذخایر یک کوه هستند. دیپلماسی عمومی به فراخور حال می‌تواند از این ذخایر استفاده نموده و اهداف خود را محقق سازد. (Nay, 2004)

ب) ارزش‌های بنیادین

دومین منبع قدرت نرم از دیدگاه نای هستند که دولت‌ها آن‌ها را به عنوان معیار رفتار خود پذیرفته‌اند. این ارزش‌ها در رفتار داخلی (مانند قبول دموکراسی) در نهادهای بین‌المللی (مانند همکاری با دیگران) و در سیاست خارجی (مانند پیشبرد صلح و حقوق بشر) ترجیحات دیگران را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ج) سیاست‌های دولت

سیاست‌های دولت در داخل و خارج کشور نیز یکی از منابع بالقوه قدرت نرم محسوب می‌شود به ویژه سیاست خارجی تأثیر قاطعی بر قدرت نرم دارد. در واقع سیاست‌های اعمال شده از جانب حکومت‌ها شمشیری دو لبه است که می‌تواند به ارتقا یا کاهش بخشی از قدرت نرم بیانجامد. سیاست‌های دولت اعم از داخلی و خارجی که ریاکارانه، متکبرانه، بی تفاوت نسبت به افکار دیگران یا مبتنی بر رویکرد کوتاه نظرانه نسبت به منافع ملی همه بازیگران باشند، می‌توانند به تضعیف قدرت نرم منجر گردند.

قدرت هوشمند

خانم سوزان ناسل در مقاله خود که در سال ۲۰۰۴ در مجله فارین افرز منتشر کرد، این ایده را مطرح ساخت که اصطلاح «قدرت نرم» دیگر برای مقابله با تهدیدهای جدی علیه منافع امریکا کارآمد نیست. وی مفهومی جدید با عنوان «قدرت هوشمند»^۱ را پیشنهاد کرد و از آن به

^۱ Smart power

معنای ترکیب هوشمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدها علیه امنیت ملی امریکا سخن گفت. (Nossel, 2004)

در بطن واژه «Smart» مفهوم زیرکی و هوشمندی نهفته است؛ یعنی نوعی انتخاب بر مبنای عقلانیت محض و فعال، پویا و زنده در چارچوبی ارگانیکی و نفی هرگونه دگماتیسم رفتاری و پرهیز و دوری از تعاملات مکانیکی و غیرزنده که قالب‌های کلیشه‌ای خاصی را شامل خواهد شد.

جوزف نای ایجاد هوشمندانه توازن میان قدرت نرم و قدرت سخت با بافت منطقه‌ای و جهانی را قدرت هوشمند می‌داند و بر این باور است که راز موفقیت رهبران، در آمیختن هوشمندانه قدرت نرم و سخت در بافت‌های مختلف، نهفته است و این نوع به کارگیری قدرت، بهینه‌ترین نتیجه را برای رهبران سیاسی، در پی خواهد داشت. قدرت هوشمند نه از جنس قدرت نرم و نه از جنس قدرت سخت است، بلکه ترکیب توانمندی از این دو است. قدرت هوشمند به معنای ایجاد یک استراتژی همگرا، منابع محور و ابزارهای مناسب برای دستیابی به اهداف مبتنی بر قدرت سخت و نرم می‌باشد.

کارکرد قدرت هوشمند در سیاست بین‌الملل

قدرت هوشمند بر اساس کارکرد سیاسی و بین‌المللی اش از سایر نشانه‌های قدرت تفکیک می‌شود. قدرت سخت افزاری دارای نقش و کارکرد نظامی است و جلوه‌هایی از مداخله‌گرایی عینی را به نمایش می‌گذارد. عامل این قدرت از طریق الگوهای معطوف به اجبار، درصد وادارسازی دیگران به پذیرش اهداف، منافع و مطلوبیت‌های خود است. از سوی دیگر، کشوری که از ابزارهای قدرت نرم بهره می‌گیرد، در برابر تهدیدهای غیر قابل پیش‌بینی و شرایط بحرانی، دچار غافل‌گیری شده، توان لازم برای کنشگری را از دست می‌دهند. (متقی، ۱۳۸۷: ۶۰)

موضوع قدرت هوشمند توسط استراتژیست‌های آمریکایی به گونه‌ای مطرح شد که بتوانند حوزه‌های قدرت سخت و نرم را با یکدیگر ترکیب کنند و از سوی دیگر، به جای مقابله با تهدیدهای جاری، درصد کنترل و رویارویی با تهدیدهای آینده برآیند. این امر به مفهوم آن است که قدرت هوشمند رویکردی آینده‌گرا داشته، به جای آنکه درصد تخریب فضای اجرایی باشد، شکل مطلوب خود را از طریق انعطاف‌پذیری همراه با اراده و کنشگری شکل می‌دهد.

قدرت هوشمند کارکردهای متنوعی دارد و اهداف خود را به گونه‌ای غیر مستقیم تأمین می‌کند.

آمریکا و قدرت هوشمند

با افول و سقوط نظام دو قطبی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰ و حذف قدرت رقیب که از نوع سخت افزاری بود، امریکا در تنظیم سیاست خارجی خویش با دیگر کشورها، رویکرد قدرت نرم افزاری را نیز در دستور سیاست خارجی قرار داد. «جوزف نای» به عنوان تئوریسن آن، برای مقابله با تهدیدهای جدید علیه منافع ملی امریکا به کار رفت تا جایی که هر دو مفهوم «قدرت سخت» و «قدرت نرم» و مصادیق آن برای کارشناسان و محافل سیاسی و مراکز علمی و پژوهشی در عرصه سیاست جهانی کاملاً شناخته شده بود.

به کارگیری قدرت هوشمند توسط امریکا مستلزم توجه به نظریه‌های معنا محور و شناخت صحیح و تعریف دقیق هویت‌ها، منافع و رفتار سیاسی جامعه مخاطب و انگاره‌ها، ارزش‌ها، نمادها و باورهای حاکم بر آن جامعه است تا در بر گیرنده ترکیب منطقی در انتخاب قدرت هوشمند باشد. از لحاظ عملیاتی نیز امریکا تا پایان جنگ سرد و سال ۱۹۹۰ سیاست خارجی خود را عمدتاً بر اساس اتکا به نوعی قدرت سخت تنظیم کرده بود؛ تغلیظ ادبیات و گفتمان سخت افزاری امریکا در دو دوره حکومت جمهوری خواهان بر کاخ سفید و شعار تغییر ساختار و بعضاً ادبیات جنگی درباره ایران نمونه‌هایی از به کارگیری قدرت سخت هستند. این مسأله، صحیح یا غلط، ناشی از ذهنیت‌ها و نوع تلقی کاخ سفید از تهدیدهای سخت افزاری بود.

جوزف نای تئوریسن و صاحب نظریه "قدرت نرم" در مصاحبه‌ای گفت: "امریکا با سرمایه گذاری مجدد در راه خیر جهانی می‌تواند یک قدرت هوشمندتر شود. یعنی باید به همه مردم و دولت‌های سراسر دنیا چیزهایی بدهد که آنان در غیاب رهبری امریکا قادر به دستیابی به آن نیستند. امریکا با قدرت نظامی و اقتصادی در کنار سرمایه گذاری وسیع‌تر در قدرت نرم می‌تواند چارچوب لازم برای مقابله با چالش‌های جهانی ایجاد کند". (خواجه‌وئی، ۱۳۸۷)

در یکی دو دهه اخیر به دلیل اعمال آشکار برخی سیاست‌های خشن و توجیه ناپذیر امریکا در منطقه، مانند حمایت صریح و قاطع از اسرائیل، یک جانبه گرایی، توسعه طلبی، اشغال عراق و افغانستان، مخالفت با سوریه و لبنان، حمایت از برخی گروه‌های تروریستی همچون القاعده و

...اعتبار و وجهتش افول کرده و از نظر قدرت نرم تا حد زیادی تحلیل رفته است (Hinen, 2008: 69).

باراک اوباما رئیس جمهور تحول خواه که پس از محافظه کاران وارث مصائب و مشکلاتی از آنان بوده سعی در گذار از دکترین سخت به نرم و حتی فراتر از آن به تلفیق آن دو در ابتدای شروع ریاستش در راستای غلبه بر مشکلات سیاست خارجی ایالات متحده را داشت. ایالات متحده با توجه به شکست سیاست‌های قبلی دولت امریکا و نتایج و هزینه‌های سنگین جنگ‌های عراق و افغانستان و هزینه‌های فرهنگی این جنگ برای امریکا، دمکرات‌ها و در رأس آن‌ها باراک اوباما به عنوان نامزد این حزب با شعار تغییر برای بازسازی و بازیابی حیثیتی به پیش آمد و رئیس جمهور امریکا شد. (قاسمی، ۱۳۹۳)

جدول ۱: میزان نفوذ و تأثیر ایالات متحده بر دیگر کشورها

کشور	۲۰۰۶		۲۰۰۷		۲۰۰۸		۲۰۰۹	
	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی
فلسطین	--	--	--	--	--	--	--	--
مصر	--	--	۱۱	۵۹	۱۶	۷۳	۴۰	۴۸
امارات	--	--	۲۵	۵۷	۳۷	۴۲	--	--
عربستان	۲۴	۷	--	--	--	--	--	--
لبنان	--	--	۳۴	۵۸	۲۸	۶۷	--	--
ترکیه	۱۵	۴۹	۷	۶۹	۲۰	۷۳	۲۱	۶۳
رژیم صهیونیستی	--	--	--	--	۶۸	۲۰	--	--
عراق	۲۷	۵۶	--	--	--	--	--	--
متوسط آراء	۲۲/۶۷	۴۴/۶۷	۱۹/۲۵	۶۰/۷۵	۳۳/۸	۵۵	۳۰/۵	۵۵/۵

World Public, 2006; BBC World, 2007, p.8; BBC World, 2008, p.6; BBC World, 2009, p.9.

قدرت هوشمند آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

در ارزیابی کلی، نوع تقابل سخت افزاری امریکا در ارتباط با دیگر کشورها و نیز تغییر ساختار نتوانست انتظارات کاخ سفید را برآورده سازد. حتی در وضع حاضر نیز کارشناسان امنیت بین الملل معتقدند در خصوص تقابل ایران و آمریکا، با توجه به تجارب شش سال تجاوز

و اشغالگری آمریکا در عراق و ظرفیت‌ها و شرایط ذهنی و عینی موجود در جهان، دو طرف معادله (ایران و آمریکا) حرکت در مسیر سخت افزاری صرف با اقدام مستقیم آمریکا یا اقدام غیرمستقیم اسرائیل درباره ایران ثمر بخش نیست.

با رشد تصاعدی ادبیات جنگ طلبانه، آمریکا تا مرز حمله به ایران پیش رفت؛ با این حال، آمریکا به این واقعیت دست یافته است که با اقدام نظامی علیه ایران به نتایج مطلوب نمی‌رسد. تجربه عراق نیز گویا و مؤید این واقعیت است. به لحاظ ایدئولوژیک بودن جامعه ایران، رویکرد صرف قدرت نرم نیز نمی‌تواند آمریکا را به نتایج مطلوب خویش برساند.

بازی هوشمند به بازیگری هوشمند نیاز دارد که ضمن بهره برداری حداکثری از فرصت‌های ممکن و پرهیز از فرصت سوزی و مهره سوزی به تناسب نوع بازی حریف، اقدام و حرکتی هوشمندانه در راستای منافع و امنیت ملی انجام دهد. بنابراین آمریکا در دوران اواما تلاش کرد در قالب سیاست قدرت هوشمند تلاش از ابزارهای دیپلماتیک استفاده کند تا منافع ملی آمریکا را با نگرشهای نوینی به دست آورد. در نتیجه برنامه وی برای مذاکرات هسته‌ای و پیشنهاد گفتگوی بدون پیش شرط با ایران، خروج نظامیان آمریکایی از عراق، احتمال گفتگو با طالبان برای حل بحران افغانستان و ... بخشی از راهبرد قدرت هوشمندی است که رئیس جمهور ایالات متحده در قبال کشورهای خاورمیانه‌ای من جمله ایران در پیش گرفته بود. تجارب سالهای گذشته و اصول و هنجارهای حاکم بر طیف دموکرات‌های آمریکا، کاخ سفید را مجاب کرد که راهبرد قدرت هوشمند را برای تعامل و تقابل با ایران در پیش گیرد.

در این راستا، «هیلاری کلینتون» وزیر امور خارجه اسبق آمریکا، در سخنرانی خویش در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان این کشور اعلام کرد: "سیاست خارجی ما بر ابزار دیپلماسی و توسعه و هم چنین اهرم نظامی استوار است و برای تحقق اهداف خود با قدرت‌های منطقه‌ای همکاری می‌کنیم. آمریکا پس از سال‌ها حاشیه نشینی در گفت و گوهای ۱+۵ اکنون به شریک کامل در این گفتگوها تبدیل شده است." (قاسمی، ۱۳۹۳)

آمریکا در دوره ترامپ سیاست تهاجمی‌تری علیه ج.ا.ایران اتخاذ کرد. خودداری دونالد ترامپ از امضای تأییدیه پایبندی ایران به توافق هسته‌ای ایران و غرب یا «برجام» و نهایتاً خروج یکطرفه آمریکا از این توافق، باعث ایجاد تنش میان ایران و آمریکا شده است.

علاوه بر این، ترامپ از استراتژی جدیدی برای مقابله با بسط نفوذ منطقه‌ای ایران، یا چیزی که رئیس جمهور آمریکا آنرا «گستره اقدامات مخرب ایران» نامید، پرده برداشت. عنصر اصلی

این استراتژی، مشتمل بر خنثی سازی و مقابله با نفوذ بی ثبات کننده ایران در منطقه و محدود کردن توان این کشور خصوصاً در زمینه به اصطلاح حمایت از تروریسم است. طرح پیشنهادی واشنگتن مبتنی بر ایجاد محدودیت برای سپاه پاسداران و همچنین مقابله با نیروی قدس سپاه پاسداران به عنوان محور این استراتژی بود. دولت ترامپ نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به همراه تمام حامیان نظامی، افسران، عوامل و وابستگان به آن، به خاطر حمایت از فعالیت‌های نیروی قدس سپاه، جزو گروه‌های تروریستی شناسایی کرد. مقابله هوشمند با ج.ا.ایران توسط آمریکا دو فاز قابل طرح است:

فاز اول: ترکیب سخت و نرم شامل:

- انتخابات و رویدادهای پس از آن
- استحاله فرهنگی و بکارگیری اپوزیسیون نو

فاز دوم: مدیریت تلفیقی شامل:

- تروریسم (داعش، ریگی، پژاک، ترورهای کردستان، انفجارات)
 - افناعت سازی (عدم کارآمدی نظام، ضرورت سازش با غرب)(دانیالی، ۱۳۹۲)
- تردید نیست که امریکا تقریباً از همه ارکان فوق برای اعمال «قدرت نرم» برخوردار است و پیروزی در جنگ سرد، فروپاشی شوروی و تک قطبی شدن جهان نیز بر این اعتبار افزوده است. حضور بلندمدت در منطقه، نیاز شدید کشورهای عربی به حمایت مستمر امریکا، وابستگی شدید کشورهای منطقه به آن، تأمین امنیت صوری منطقه، انعقاد پیمان‌های مختلف با کشورهای منطقه، پایان دادن به اشغال کویت، اشغال عراق و سرکوب صدام، حضور نظامی جدی در منطقه، نفوذ بلامنازع در سازمان‌های بین‌المللی، روابط گسترده سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با بیشتر کشورهای منطقه، تلقی این کشور به عنوان مأمّن و تکیه گاه نظام‌های استبدادی و غیر دموکراتیک حاکم بر بیشتر کشورهای منطقه، نقش محوری آن در فرایند جهانی شدن، به اعتبار و نفوذ بیش از پیش این ابر قدرت در منطقه افزوده است.
- لازم به ذکر نیست که در یکی دو دهه اخیر به دلیل اعمال آشکار برخی سیاست‌های خشن توجیه ناپذیر هم چون حمایت سریع و قاطع از اسرائیل، یک جانبه گرایی، توسعه طلبی، اشغال عراق و افغانستان، مخالفت با سوریه و لبنان، حمایت از برخی گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش، اعتبار و جاهت آن افول یافته و قدرت نرم آن تا حد زیاد تحلیل رفته است. این معادله احتمالاً در خصوص ایران سیری معکوس طی کرده است. اما ظواهر امر چنین نشان

می‌دهد که امریکا از حیث قدرت نرم و سخت هنوز هم نه تنها در خاورمیانه که در کل جهان موقعیتی نسبتاً ممتاز و برجسته دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز هر چند از حیث قدرت سخت موقعیتی در ظاهر نازل دارد اما شواهد عینی چنین نشان می‌دهد که موقعیت معنوی و فرهنگی و به اصطلاح قدرت نرم این کشور تدریجاً رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قطب فرهنگی مؤثر در منطقه و جهان است.

گام‌های عملی آمریکا در حوزه قدرت هوشمند در برابر ج.ا.ایران

۱- مذاکره مستقیم با ایران: اوباما از قبل از پیروزی در انتخابات ۲۰۰۸ بر مذاکره مستقیم با ایران پای می‌فشرد. او معتقد بود ایران از قواعد جودو بهره می‌برد. آمریکا را تحریک می‌کند، بر روی تشک می‌آورد؛ و با وجود وزن کمتر نسبت به آمریکا، از همین نیروی تحریک آمریکا، بهره می‌برد؛ و آمریکا را با آن همه وزن پرتاب می‌کند. لذا آمریکا باید ایران را به روی تشک آورد و تحریک کرد. ادبیات مدبرانه و رفتارهای پیچیده را به استخدام گرفت تا در آینده شاهد اقدام‌های مؤثر بر علیه ایران بود. (دانیالی، ۱۳۹۲)

۲- ادبیات مدبرانه: ادبیات نومحافظه‌کاران ادبیاتی کلام‌محور و رادیکالانه است؛ اگر با ما نباشید، بر ما هستید، کلیدواژه اصلی این ادبیات بود. در حالی‌که ادبیات نودمکرات‌ها تکثرگرایانه و پراگماتیستی است؛ «دنیا بدون آمریکا و آمریکا بدون دنیا قابل مدیریت نیست» کلید واژه اصلی این ادبیات است.

رفتار پیچیده: نودمکرات‌ها؛ برخلاف نومحافظه‌کاران تک‌ساختی نیستند؛ چندساختی و تودرتویی عمل می‌کنند. بازی هوشمندانه را در دستور کار قرار داده‌اند و تلاش دارند آمریکا را از رویکرد قدرت گیج خارج کنند.

۳- اقدامات مؤثر: آمریکایی‌ها در پی این رفتار پیچیده تلاش دارند صحنه تعاملات رفتاری متفاوت را به نفع خود مدیریت کنند. کشورهای منطقه را به اجماع بر علیه ایران هدایت کنند. (مطهرنیا، ۱۳۹۱) در محور مقاومت در خاورمیانه و «گفتمان توازن نامتقارن» ناشی از مدیریت ایران شکاف ایجاد کنند، از گروه تروریستی داعش را خلق کنند، با بازیگران مخالف چون حزب‌ا... و حماس رودررو نشوند؛

ترکیب قدرت سخت و نرم در چارچوب استراتژی قدرت هوشمند

دولت اوباما سعی داشت با افزایش توجهات خود به قدرت نرم، مسیر بهتری را پیش روی خود قرار دهد. بر این اساس با ترکیب «تحریم» به عنوان قدرت سخت و «تقویت ارتباط و نفوذ در میان مردم ایران» به عنوان قدرت نرم، امکان شکل‌گیری مرحله‌ی جدیدی از استراتژی قدرت هوشمند متصور بود. در دوره ترامپ نیز اگر چه آمریکا تهاجمی‌تر و بی‌پروا تر رفتار می‌کند اما پیشبرد همزمان قدرت سخت و نرم قابل مشاهده است. سیاست‌مداران آمریکایی همچنان معتقدند فشارهای ناشی از تحریم بر مردم ایران زمینه‌ی تقابل آن‌ها با حکومت را فراهم می‌کند. (تقی‌زاده، ۱۳۹۱) با ترکیب «تحریم» به عنوان قدرت سخت و «تقویت ارتباط و نفوذ در میان مردم ایران» به عنوان قدرت نرم، امکان شکل‌گیری مرحله‌ی جدیدی از استراتژی قدرت هوشمند متصور خواهد بود.

قدرت نرم ج.ا.ایران

ایران از هزاران سال پیش تاکنون به عنوان کشوری دارای تمدن شگفت‌انگیز در چهار راه تمدنهای بزرگ بشری، از یک سو هم مرز با هندوستان، از سوی دیگر در مرز دایمی با فرهنگ و تمدن بزرگ چین، از سمت غرب هم مرز با یونان و امپراتوری روم شرقی، از سمت شمال با روس‌ها و از سمت جنوب با اعراب مرز داشته و مواجهه دایمی داشته اس (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۳۳۳).

ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای با پتانسیل‌های مؤثر بازیگری در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اثرپذیری از دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، به دنبال تأثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود می‌باشد. جغرافیای وسیع و متنوع ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی جوان و مستعد، انسجام ایدئولوژیکی، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت ژئوپلیتیکی با تأثیرات متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای و سایر مزایای نسبی متعدد از جمله ویژگی‌های شاخص ایران در فضای بین‌المللی است. با وجود این، ثبات و تأمین امنیت داخلی و خارجی، رشد و توسعه اقتصادی، ارتباطات گسترده با حوزه‌های نفوذ نرم افزاری و تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران، در شرایطی تحقق می‌یابند که ایران توسعه پایدار و تعاملات داخلی و خارجی خود را در قالب

یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با تکیه بر مزیت‌های نسبی کشور از جمله منابع تولید قدرت نرم، طراحی و تدوین نماید. (میرشاهی www.rastak.com)

بی تردید در عصر جدید، دیدگاه مردمان دیگر کشورها، باعث تضعیف و یا تقویت موقعیت قدرت‌ها در روابط بین‌الملل خواهد گردید. در این میان، نظر کشورهای همسایه و نوع نگاه آن‌ها به سیاست‌ها و مواضع قدرت‌ها، مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از سایر کشورهاست. قدرت نرم ایران در اسلام، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان فارسی، ارزش‌های مردم سالارانه، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و مواردی از این دست ریشه دارد. حفظ و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، نیازمند شناخت و به کار بستن منابع نرم افزاری قدرت خود در سایر کشورها و جوامع با توجه به زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هریک از کشورهای هدف است. جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از هشتاد میلیون مسلمان (۹۸٪) که از این میزان، ۸۹ درصد شیعه و ۹ درصد سنی می‌باشند، یکی از کشورهای بزرگ، پرجمعیت و تأثیرگذار اسلامی است. (Islamic Web, 2007)

جمهوری اسلامی ایران گرچه در ظاهر از حیث قدرت سخت افزاری در جایگاه پایین‌تری نسبت به ایالات متحده قرار دارد، اما شواهد عینی نشان می‌دهد که موقعیت معنوی و فرهنگی و به اصطلاح قدرت نرم ایران در منطقه رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قطب فرهنگی مؤثر در منطقه است. ایران زمینه‌ها و شرایط لازم برای کسب قدرت معنوی و ارتقای نصاب محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه را فراهم ساخته است. دیپلماسی فعال کشور در چند سال اخیر به اتخاذ، احیا و تثبیت سیاست‌های خاصی دامن زده است که در مجموع، می‌تواند تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین‌المللی و منطقه‌ای و زدودن برخی ابهامات، و در یک کلام هژمونی فرهنگی، کمک شایانی کند.

اندکی تأمل و بررسی، گویای این واقعیت است که نفوذ معنوی و جایگاه جدید منطقه‌ای ایران به نحوی است که آمریکا مجبور به پذیرش آن است. به عبارت دیگر، مقامات و مؤسسات آمریکایی به این دیدگاه واحد رسیده‌اند که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید از طریق قدرت و تهدیدات نرم آمریکا کنترل و مدیریت گردد. تلاش‌های اوباما پس از حضور در کاخ سفید بر مبنای همین راهبرد، تدوین و در حال اجراست. بدیهی است شناخت دقیق این راهبرد و مجهز شدن ایران اسلامی به ساز و کارهای مناسب آن ضرورتی است که امکان رویارویی با قدرت نرم آمریکا را برای ما فراهم می‌آورد (کاتب، ۱۳۸۸).

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ابعاد و ابزار سیاست خارجی عبارت است از: تلاش و کوشش از پیش طراحی شده و سازمان یافته جمهوری اسلامی برای تأثیر گذاری بر برداشت‌ها، ادراکات، افکار، انگاره‌ها، ایده آل‌ها، ارزش‌ها، ایستارها و باورهای سایر ملت‌ها از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی و شناخت و درک واقعی فرهنگ‌های دیگر به منظور تأمین و توسعه منافع ملی. (فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۸۰)

مهم‌ترین منابع و قابلیت‌های تولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

اگر بپذیریم که ظرفیتهای بالقوه هر کشوری در راستای دستیابی به قدرت نرم ناشی از عناصری خاص است، آنگاه در می‌یابیم که جمهوری اسلامی دارای ظرفیتهای بالقوه‌ای است که طی چند سال بخشی از آن به طور بالفعل نمایان گردیده و نتیجه آن چیزی جز افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و کاهش نفوذ و همراهی جهانی با اهداف آمریکا نبوده است. همین موضوع باعث گردیده که آمریکا به زعم خود تلاش نماید از تمامی امکانات خود برای کاهش قدرت و نفوذ ایران بهره برداری نماید که به خواست خدا تاکنون قرین موفقیت نبوده و جواب عکس داده است.

مهم‌ترین مؤلفه‌ها و منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱- سرزمین و نام ایران

نام هر کشور از مهمترین نکات در ایجاد هویت و چارچوب مناسب برای یکپارچگی و وحدت ملی محسوب می‌شود. قلمرو تحت حاکمیت یک دولت، سرزمین آن (کشور) است که با مرزهای سیاسی از سایر واحدهای سیاسی متمایز می‌شود. بدون وجود سرزمین، دولتی شکل نخواهد گرفت. (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۶).

۲- موقعیت جغرافیایی و استراتژیک

منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت جغرافیایی، استراتژیکی و ژئوپولیتیکی، محل تلاقی محورهای بزرگ ارتباطی زمینی و هوایی سه قاره (آسیا - اروپا و افریقا) به شمار می‌رود. وجود ذخایر عظیم انرژی منطقه و نیز نبود ابرقدرت منطقه‌ای و رقابت قدرت‌های بزرگ برای چپاول ثروت‌های منطقه، سبب شده است خاورمیانه در کانون توجهات ابرقدرت‌ها قرار گیرد. قرارگیری

ایران در این موقعیت حساس جغرافیایی و ظرفی تنها و پتانسیلهای متعدد، لزوم برنامه ریزی و دقت نظر دولتمردان را جهت بهره‌برداری در جهت افزایش قدرت ملی دو چندان می‌سازد.

۳- منابع معدنی

ذخایر غنی نفت و گاز در حوزه خلیج فارس و دریای خزر آنچنان است که ایران پس از عربستان سعودی بیشترین ذخایر اثبات شده نفت جهان را دارد. به عبارتی با دارا بودن ۱۳۳ میلیارد بشکه نفت، ۱۰ درصد از کل ذخایر جهان را به خود اختصاص داده است (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۳۵۵)

۴- تاریخ و جاذبه‌های فرهنگی

موقعیت و نقش فرهنگ یک کشور اغلب بیان‌کننده یکپارچگی اجتماعی و همدلی سیاسی آن محسوب می‌شود. این امر به عنوان مهمترین منبع سیاسی تشکیل‌دهنده یکپارچگی ملی (اتحاد) و پایداری سیاسی است، بنابراین صعود و یا سقوط فرهنگی یک کشور ضربهای اساسی به توسعه کشور و در نهایت بر افزایش یا کاهش قدرت ملی آن کشور دارد (Zhang, 1999: 28)

۵- دین و ایدئولوژی

با ظهور ادیان، به ویژه اسلام و گسترش سریع آنها در جهان، نقش قدرت نرم برجسته‌تر گردید. اسلام نه براساس قدرت سخت، بلکه با تکیه بر قدرت نرم گسترش یافت. اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران پیرو دین اسلام‌اند و از این حیث جزئی از قلمرو جغرافیای وسیع‌تری به نام جهان اسلام محسوب می‌شوند. بیش از ۹۹ درصد جمعیت کشور ما را مسلمانان تشکیل می‌دهند (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

۶- نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران از میان ۱۵ کشور واقع در خاورمیانه، با سیزده کشور به‌تبادل سفیر پرداخته و نیز دارای دفتر حافظ منافع در مصر است. در آسیا - اقیانوسیه، جمهوری اسلامی ایران در ۱۷ پایتخت از ۳۰ کشور منطقه، دارای سفارت‌خانه است. همچنین ۴۲ رایزنی فرهنگی ایران مناطق مختلف جهان فعال هستند (هرسیچ و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۳۸).

۷- قومیت، نژاد و همزیستی

مسالم تأمیز آن‌ها: ایرانیان اصالتاً از نژاد آریایی هستند که ۳۵۰۰ سال پیش وارد ایران شدند. امروزه اقوام فارس، آذری، کردها، عرب‌ها، بلوچ‌ها و ترکمنها در کشور ایران ساکن

هستند. نکته قابل توجه این که، اقوام مختلف ایرانی در طول تاریخ ثابت کرده‌اند هویتشان در پیوند با ایران شکل گرفته است و تکیه بر قومیت، جدای از فضای جغرافیایی ایران، در آنها دیده نمی‌شود. گواه این مسئله یکپارچگی و حضور همه اقوام، ادیان و مذاهب ایرانی در دفاع از کشور در جنگ هشت ساله می‌باشد.

۸- حضور در مجامع بین‌المللی

حضور فعال در مجامع بین‌المللی و پیمانهای منطقه‌ای می‌تواند قدرت چانه زنی و دیپلماتیک ایران را در مسائل مختلف افزایش دهد. عضویت یا شرکت در سازمانها و نهادهای مختلف ضمن مشروعیت بخشی با فراهم نمودن امکانات مختلف اقتصادی و فرهنگی و نیز تأمین منابع مالی می‌تواند در افزایش قدرت ملی اثرگذار باشد.

۹- دیپلماسی فعال و مؤثر

اگر دیپلماسی را مجموعه تدابیر و اعمالی بدانیم که عمدتاً از طرق مسالمت آمیز برای حصول حداکثر تفاهم در میان انبوه اختلاف‌های صحنه روابط بین‌الملل برای حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی به کار گرفته می‌شود (البرزی، ۱۳۶۸: ۵) باید گفت دیپلماسی فعال ج.ا.ایران به خصوص در سالهای اخیر علاوه بر فراهم کردن موقعیت مناسب از جهت حضور در عرصه‌های بین‌المللی، موجب تغییر نگرش‌های منفی نسبت به کشورمان نیز بوده است. موفقیت مذاکرات هسته‌ای فارغ از نتایجی که داشت و خروج آمریکا از یک توافق بین‌المللی مقبول جهانی، سبب مخدوش شدن چهره این کشور در اذهان عمومی جهان گردید.

۱۰- زبان فارسی

علاوه بر اسلام و مذهب تشیع، زبان، ادبیات شیرین، حکمت‌آموز و بی‌نظیر پارسی که دربردارنده مفاهیم متعالی بشری و جهانی است، پتانسیلی بسیار قوی برای قدرت فرهنگی و ارزشی ایران محسوب می‌شود. زبان فارسی یکی از ارکان هویت ایرانی است که بعد از انقلاب مشروطه به‌عنوان زبان ملی تبلیغ و شناخته شده است. با این حال هویتی بسیار فراتر از فلات ایران دارد. زبان فارسی دربردارنده تاریخ کهن این سرزمین است.

مزیت‌های سیاسی قدرت هوشمند ج.ا.ایران

شکل‌گیری انقلاب ایران، بر مبنای ارزش‌های اسلامی و مذهبی موج جدید بیداری اسلامی را با محتوی جدید و اثرگذار در عرصه حکومتداری ایجاد نمود و به چند قرن خمودگی تمدن اسلامی پایان داد. از این رو، با توجه به فرهنگی بودن انقلاب ایران، می‌توان مدعی شد که انقلاب اسلامی مولود قدرت نرم و مبتنی بر قدرت نرم است. واضح است این رویکرد در سطوح سیاسی، فرهنگی و اقتصادی انعکاس خواهد یافت و تعیین‌کننده سیاست‌های ج.ا.ایران در سطوح خرد و کلان خواهد بود. (کبریایی زاده، ۱۳۹۰: ۱۳)

الف) سطح خرد

هرچند بیداری اسلامی به شکل باور نزد بسیاری از متفکران کشورهای اسلامی از جمله سیدجمال وجود داشت؛ اما نهادینه شدن بیداری اسلامی و شکل‌گیری کلیه ارکان حکومتداری بر مبنای شریعت فقط در ایران ایجاد گردید. مردم سالاری دینی انقلاب اسلامی که ابتدا از بطن جامعه توده‌ای برخاست، در آن مستقر نگردید و به تدریج راه را برای تحقق جامعه مدنی هموار ساخت. اما استقرار جامعه مدنی برعکس دموکراسی‌های غربی موجب نگردید؛ جامعه توده‌ای، اهمیت خود را از دست دهد. (دهشیری، ۱۳۸۸: ۵۴)

ب) سطح کلان

از آنجا که اسلام پیامی جهانی و فرازمانی دارد، انقلاب اسلامی ایران نیز که بر مبنای شریعت اسلام بنا شده نمی‌تواند، خالی از این ویژگی در نظر گرفته شود. از این رو، انقلاب اسلامی از یک سو دارای نگاه و بینش جهانی است و همه جهان را مخاطب قرار می‌دهد و از سوی دیگر، ارزش‌ها و آرمان‌هایش منطبق بر فطرت آدمی است. براین اساس، روزه‌گاردی می‌گوید: انقلابی که به رهبری امام خمینی روی داد، متعلق به تمدن بشری است و به یک جامعه خاص اختصاص ندارد. این انقلاب همانند نهضت انبیا مختص همه انسانها و همه جوامع است.

راهکارهای مقابله با قدرت هوشمند آمریکا (مبتنی بر قدرت نرم ج.ا.ایران)

از آنجا که انتخاب ابزار مناسب و نیز میزان هدف‌گذاری دقیق برای موفقیت دیپلماسی ضروری و حیاتی است، بر این اساس، ابزار و سازوکارهای زیر را می‌توان برای تقویت دیپلماسی

جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد داد. تقویت و گسترش هر کدام از موارد ذیل در مقابله با قدرت نرم و قدرت هوشمند آمریکا مؤثر خواهد بود:

۱- آموزش زبان فارسی و برگزاری هفته‌ها و جشنواره‌های فرهنگی

آموزش زبان و ادبیات فارسی به زبان‌آموزان خارجی از طریق تأسیس کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌ها، مراکز و آموزشگاه‌های تخصصی، ابزاری بسیار مهم و مناسب است. زیرا، زبان فارسی مهم‌ترین کانال ارتباطی بین فرهنگ و تمدن ایران و سایر کشورها و فرهنگ‌ها خواهد بود. از این‌رو، باید با اعطای بورسیه تحصیلی و فرصت مطالعاتی زبان فارسی به دانشجویان و دانشمندان خارجی، به گسترش زبان و ادبیات فارسی همت گمارد.

۲- چندجانبه‌گرایی فرهنگی

دیپلماسی چندجانبه‌گرا از شدت حساسیت و امنیتی شدن فعالیت‌های دیپلماتیک در عرصه برون‌مرزی می‌کاهد. برگزاری همایش‌های فرهنگی و هنری و راه‌اندازی کارگاه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی مشترک، مبادلات فرهنگی، هنری، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت اهداف سیاسی و فرهنگی کشور ایفا می‌کند. هم‌چنین، شرکت در محافل فرهنگی و همایش‌های منطقه‌ای برای تبیین و تشریح توانمندی‌های جمهوری اسلامی نیز ابزار مؤثر دیگری در چارچوب چندجانبه‌گرایی به حساب می‌آید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

۳- توسعه صنعت گردشگری، ورزش و صنعت سینما

پیشینه تاریخی-تمدنی و جاذبه‌های طبیعی و تاریخی، ایران را در زمره یکی از ده کشور برتر جهان از نظر آثار و میراث فرهنگی قرار داده است. از این‌رو، در صورت برنامه‌ریزی راهبردی در حوزه جهانگردی و میراث فرهنگی، امکان ترویج ابعاد و وجوه فرهنگ و تمدن ایران فراهم می‌شود. صنعت ورزش و سینما دو ابزار بسیار مهم و مؤثر برای ارتقاء قدرت نرم کشور و نیز بهبود مناسبات بین‌المللی به‌شمار می‌رود.

۴- جذب و آموزش دانشجویان خارجی

یکی دیگر از سیاست‌هایی که باید مورد توجه قرار گیرد، آموزش و پذیرش دانشجویان خارجی است. تماس‌های فرهنگی بدون شک تأثیر زیادی در مبارزه با احساسات منفی درباره یک کشور خواهند داشت. مبادلات علمی و دانشگاهی (استاد و دانشجو) از جمله موارد اثرگذار در قدرت نرم به‌شمار. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۶).

۵- استفاده از اشکال دیپلماسی عمومی (رسانه‌ای) و تلاش برای ارتقای برند ملی و ایماژ سازی مثبت از جمهوری اسلامی

در دنیای امروز، رسانه‌ها، بازیگران غیردولتی سیاست‌گذاری خارجی کشورها به‌شمار می‌روند که فعالیت آن‌ها را نه می‌توان به‌طور کامل مهار کرد و نه می‌توان نادیده گرفت. آن‌ها در گفتمان سنتی سیاست خارجی تغییرات فراوانی ایجاد نموده و دولت‌ها را به‌تحول در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی وادار کرده‌اند. در پی جایگاه نوین گفتمان سازی و تصویرسازی در تعاملات سیاسی، نقش رسانه‌ها نیز در اقناع دیگران بسیار مهم‌تر از گذشته شده است. اهمیت مضاعف راهبرد رسانه‌ای در دیپلماسی عمومی از آن روست که مخاطبان برنامه‌های رسانه‌ای، بسیار گسترده‌تر از مخاطبان مبادلات آموزشی و... هستند(همان، ۲۸-۲۷).

۶- معرفی مفاخر ایران

برگزاری مناسبات و مجالس گرامیداشت شعرا، ادبا و دانشمندان نامدار ایران در این کشورها از اهمیت و اولویت برخوردار است. هم‌چنین در قالب چندجانبه، می‌توان از طریق همکاری با کشورهای منطقه یا سازمان‌های فرهنگی منطقه‌ای و اسلامی، برنامه‌ها، مراسم، محافل و گردهمایی برگزار کرد. از آن‌جا که گرامیداشت و بررسی آراء و افکار بزرگان فرهنگ و ادب ایران، نقشی برجسته در معرفی و تبیین عمق فرهنگ و تمدن ایران ایفا می‌کند، برگزاری نشست‌ها، اجلاس‌های علمی و گردهمایی‌های فرهنگی خواهد توانست در جهت معرفی فرهنگ ایرانی - اسلامی به‌جهانیان نقش آفرینی کند(خانی، ۱۳۸۴، ۱۴۰).

۷- وجود استراتژی واحد و هماهنگی میان کارگزاران

دیپلماسی فرهنگی در کشور ما دارای کارگزاران و متولیان متعددی می‌باشد که تعداد آنها بیش از ۴۰ نهاد و سازمان دولتی و غیر دولتی است. شاید در نگاه اول تعدد این نهادها بدین معنا باشد که جایگاه ویژه‌ای برای فرهنگ و روابط بین‌المللی فرهنگی از سوی کشورمان به این امر شده است و طبیعتاً نتایج بهتری نیز حاصل خواهد شد. اما واقعیت این است که این تعدد و فراوانی کارگزاران در بسیاری از موارد موجب موازی کاریو همپوشی فعالیت‌ها و عملکردها، اختلاط اداری و به نوعی تعارض و نابسامانی در دیپلماسی فرهنگی می‌شود.

۸- حمایت دیپلماسی رسمی از دیپلماسی عمومی

در بحث دیپلماسی عمومی با وجود اقدامات و فعالیت‌های متعدد و متنوع صورت گرفته توسط برخی از دستگاه‌ها و نهادهای کشورمان به دلیل اینکه دیپلماسی رسمی به مزیت‌های دیپلماسی عمومی و فرهنگی توجه چندانی نداشته است، نتوانسته‌ایم به نتایج قابل توجهی دست پیدا کنیم. البته با تأسیس مرکز دیپلماسی عمومی در وزارت امور خارجه امید است در آینده نزدیک این مشکل برطرف شود.

راهکارهایی برای ارتقای سیاست فرهنگی کشور و توان نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران:

- ۱- هماهنگی میان سیاست‌های فرهنگی بخش دولتی و غیردولتی.
- ۲- مشخص کردن ضوابط و قوانین حاکم بر سیاست‌های فرهنگی.
- ۳- ایجاد انگیزه و تشویق فعالیت‌های فرهنگی در ابعاد اجتماعی، راهبردی، مالی و رسانه‌ای.
- ۴- برنامه‌ریزی جامع و فرابخشی و طراحی فرهنگی با در نظر گرفتن اصول ارزشی، امکانات و تسهیلات و ابزارهای موجود و اراده مردم و نخبگان و نیز تدوین سیاست‌های فرهنگی جامع، صریح، روشن و هدفمند براساس ملاحظات فرهنگی جامعه داخلی و بین‌المللی.
- ۵- ایجاد وفاق بین نخبگان فکری، فرهنگی و سیاسی به منظور برقراری وحدت و ثبات سیاسی و فکری در جامعه و سرمایه‌گذاری در ایجاد و گسترش مشارکت جمعی بر اساس تقویت ارزش‌های مشترک فرهنگی و نیز توزیع گسترده‌ی برخی مفاهیم و واژه‌های فرهنگی و مفهوم‌سازی ارزشی.
- ۶- تقویت آموزش در جهت ترویج و گسترش فرهنگ عمومی کمال جویی، علم طلبی، صداقت و سلامت و ارتقای آگاهی‌های مدیران و کارکنان نهادهای فرهنگی.
- ۷- گسترش میزان تبادل فرهنگی میان بخش‌های دولتی و غیردولتی در جهت افزایش تحرک فرهنگی- اجتماعی و اعتلای روحیه تحقیق و ابتکار و ارتقای دانش و آگاهی عمومی براساس مبادله و رابطه فرهنگی میان نهادهای دولتی و غیردولتی.
- ۸- اهتمام به مدیریت متنوع، منعطف، پویا، شبکه‌ای، چندبخشی، میان‌رشته‌ای، مشارکت‌گرا، کارآمد، برنامه‌ریز، خلاق و با ثبات رأی.

۹- محوریت قانون و قانونگرایی در تمامی کنش‌های فرهنگی و رفتارهای اجتماعی، رعایت حقوق شهروندی و منزلت و کرامت انسانی و حیثیت اجتماعی و پرهیز از بروز بحران‌ها و تنش‌های قومی.

۱۰- بها دادن به توسعه فرهنگی و تنوع یافتگی با اهتمام به نقش نهادهای واسط اجتماعی و فرهنگی و نهادینه شدن مشارکت فرهنگی و فرهنگ مشارکتی به عنوان سرمایه اجتماعی.

۱۱- طراحی، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری فرهنگی بر اساس قواعد وسع و تدرج، تفکیک اصول از فروع، تقدم و اولویت‌بخشی به عناصر دینی و ارزشی. (رنجبران، ۱۳۸۸: ۸۳-۱۱۳)

نتیجه‌گیری

شرایط کنونی ایجاب می‌کند که ظرفیت‌های قدرت نرم کشور جهت خنثی کردن راهبردهای ایالات متحده به فعلیت درآمده و مقدمات معرفی صحیح جمهوری اسلامی و تصحیح چهره پیشین کشور فراهم گردد. در این راستا شایسته است تا راهکارهای پیش‌گفته توسط نهادهای ذی‌ربط به‌اجرا درآیند.

از آنجایی که برای مقابله با تهدیدات نرم داشتن استراتژی بیش از داشتن قدرت مؤثر است، در نتیجه شایسته است استراتژی مقابله‌ای با پروژه جنگ نرم در دو حوزه داخلی و بین‌المللی تدوین و نقش هر یک از نهادهای دولتی در آن مشخص و تبیین شود. در این راستا، تقویت توانمندی‌های کنترلی سازمان‌های امنیتی ضروری است. در راستای تقویت توانمندی‌های امنیتی نیز برای جلوگیری از افزایش بی‌رویه هزینه‌های امنیتی و تأثیر منفی آن بر بودجه سایر بخش‌ها، باید نسبت به هماهنگی کامل نهادهای امنیتی کشور جهت بهره‌وری کامل از ظرفیت‌های امنیتی موجود اقدامات لازم در دستور کار قرار گیرد.

انقلاب اسلامی ایران با ایفای نقش سازنده در زمینه بازتولید منافع مشترک منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم، توسعه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در روند ثبات منطقه‌ای براساس امنیت دسته‌جمعی، تبیین الگوی توسعه همه‌جانبه و درو نزا، بیداری اسلامی و احیای تفکر و ارزش‌های دینی، جایگاه محوری در کمربند طلایی ایران- سوریه - لبنان در منطقه، الهام بخشی در خاورمیانه براساس الگوی مردم سالاری دینی، بهره‌گیری از قدرت اطلاعاتی و رسانه‌ای برای تبیین پیام عدالت، صلح و عزت، حکمت و مصلحت، عضویت فعال و اثرگذار در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه، تقویت راهبرد چند جانبه‌گرایی و نفی سیاست‌های

یک جانبه گرایانه امریکا در منطقه، تلاش در جهت اعتمادسازی منطقه‌ای براساس گسترش همکاری‌های فرهنگی و رسانه‌ای بین ملت‌های مسلمان، تقویت تشکل‌های غیردولتی برای همکاری با کشورهای اسلامی در جهت حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی و یا تقویت همکاریهای نرم افزاری، سرمایه گذاری در دیپلماسی عمومی، بهره گیری از قدرت هوشمند در مدیریت افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش همکاریهای سازنده، مؤثر و چند جانبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای براساس «منطقه گرایی نوین» در راستای تقویت قدرت هوشمند خود در منطقه و همچنین بر تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا گام بر دارد.

در این راستا، اتخاذ تمهیداتی خلاق و سازنده برای تبدیل تهدیدها به فرصتها و یا خلق فرصت‌های نوین، راهبرد موثری برای افزایش توانمندی هوشمند ایران در منطقه می‌باشد که نه تنها موجبات افزایش تعاملات منطقه‌ای می‌شود، بلکه موجب فزونی تمایل دیگران به حرکت در این مسیر و تحقق ثبات منطقه‌ای نیز می‌گردد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

آشنا، حسام الدین و محمد صادق اسماعیلی (۱۳۹۰). **درآمدی بر قدرت هوشمند، مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع.

پیشگاهی فرد، زهرا؛ محمدباقر قالیباف، مهدی پورطاهری و علی صادقی (۱۳۹۰). «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد**، سال بیستم، شماره ۶۱ حسن خانی، محمد (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، **مجله دانش سیاسی**، شماره ۲

توسلی، حسین (۱۳۹۳). «چالش‌های آمریکا در حوزه قدرت هوشمند»، **خبرگزاری فارس**، قابل دسترس در آدرس:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930609> (دسترسی در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱۰)

تقی‌زاد، سیدحمید ه (۱۳۹۱). «دور جدید دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران»، **پایگاه خبری-تحلیلی برهان**، قابل دسترس در آدرس:

www.borhan.ir/Nsite/Fullstory/News/3175

خبرنامه هفتگی آمریکا، عملکرد اوباما در اجرای قدرت هوشمند، شماره ۸۳، اردیبهشت ۱۳۹۳، صص ۲۹-۴۳

خواجویی، محمد (۱۳۸۷). **اوباما و قدرت هوشمند**، قابل دسترس در آدرس:

<http://vista.ir/article/362045> (دسترسی در تاریخ: ۱۳۹۳/۵/۵)

قدرت هوشمند آمریکا، **سایت تحلیلی اندیشه و عمل پویا** (موسسه اندیشه و عمل پویا)، شهریور ۱۳۹۰، قابل دسترس در آدرس:

<http://andishe-ap.org/index.php/foreign-policy/65-smart-power-the-approach-to-governing-americas-foreign-policy> (دسترسی در تاریخ: ۹۳/۶/۱۶)

قاسمی، مهدی (۱۳۹۳). «راهبرد قدرت هوشمند آمریکا در خاورمیانه و عدم کارایی آن»، **موسسه مطالعات آمریکا**، فروردین ۱۳۹۳، قابل دسترس در سایت:

<http://www.asipress.ir/vdcbswb0.rhb58piuur.html> (دسترسی در تاریخ: ۹۳/۴/۲)

مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۱). «گام‌های برای تحقق قدرت هوشمند»، قابل دسترس در آدرس:

<http://www.panjerehweekly.com> (دسترسی در تاریخ: ۱۳۹۳/۴/۱۴)

نای، جوزف (۱۳۹۳). *آینده قدرت*، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

البرزی محمدرضا (۱۳۶۸). *ارزیابی تحول دیپلماسی در قرن بیست*، تهران: نشر سفیر.

بیکی، مهدی (۱۳۸۹). *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی لبنان*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). «قدرت نرم انقلاب اسلامی و نقش آن در ارتقای بیداری اسلامی»، ویژه نامه نهمین هم اندیشی نمایندگان فرهنگی ج.ا.ایران در خارج از کشور، شماره اول، شهریور ۹۰.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). *بازتابهای مفهومی انقلاب اسلامی در نظام بین الملل*، تهران: انتشارات مطالعات علمی و فرهنگی.

روشندل جلیل (۱۳۸۷). *امنیت ملی و نظام بین المللی*، چاپ پنجم، تهران انتشارات سمت.

رنجبران، داود (۱۳۸۸). *جنگ نرم*، تهران: انتشارات ساحل اندیشه.

شرف الدین، سید حسین (۱۳۸۴). «قدرت نرم آمریکا و ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز.

قشقاوی، حسن (۱۳۸۹). *دیپلماسی عمومی (مجموعه مقالات)*، تهران: اداره کل اطلاعات و مطبوعات، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

کبریایی زاده، حسین (۱۳۹۰). «قدرت هوشمند ج.ا.ایران و انقلابهای خاورمیانه»، *ماهنامه روابط فرهنگی*، سال نخست، شماره ۴، دی.

گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷). *جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم (نگاهی به قدرت نرم افزازی جمهوری اسلامی ایران)*، ناشر معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم، چاپ اول.

(ب) منابع انگلیسی

Hinen, Games (2008). *Smart Power in the World*, University, New York

Nye, Josephs (2003). *Us Power and Strategy after Iraq*, **Foreign Affairs**, Volume 82, Number 4.

Nye, Josephs (1991). *bound to Lead: the Changing nature of American Power*, Basic Books.

Nye, Joseph s (2004). *Soft power the mean to success in World politics*, published in **the United State by Public Affairs**.

Nossel, Suzanne (2004). Smart Power, **Foreign affairs** .march/april,
Accessible in: <http://www.foreignaffairs.com/articles/59716/suzanne-nossel/smart-power>

Zhang, Yazhi. (2001). On the Disintegration of the Soviet Union, From the
Perspective of Soft Power in Culture, <http://dlb.ut.ac.ir/Id11>.

Kemp. And Harkavy, R (2004). the strategic Geography of Middle East,
translated by: mehdi Husseini matin, research institute for strategic studies,
Tehran.